

حل تعارض در رسیدگی به دعاوی خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای

حمید الهویی نظری*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سیده‌مهرداد امیر شاه‌کریمی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۳/۶)

چکیده

از آنجا که فعالیت‌های هسته‌ای، گاه خسارتی فراتر از مرزهای کشور متصدی تأسیسات آن به وجود می‌آورند، در برخی موارد دعاوی مربوط به خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، جنبه بین‌المللی به خود می‌گیرند. کنوانسیون‌های متعددی به منظور تدوین مقررات در خصوص این خسارات تصویب شده‌اند و در تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در دعاوی مذکور، مقرراتی را تصویب کرده‌اند. همچنین، کنوانسیون‌های مربوط، به منظور شناسایی و اجرای احکام صادره در این زمینه در کشوری غیر از کشور صادرکننده نیز مقرراتی دارند که کشورهای عضو را موظف کرده‌اند که احکام صادره در دادگاه صالح کشور خارجی را اجرا کنند و دعوا در آن کشور دوباره مطرح نشود. در این نوشتار، با بررسی کنوانسیون‌های مربوط به خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های صالح‌آمیز هسته‌ای، مسائل مذکور را بررسی خواهیم کرد.

واژگان کلیدی

تعارض قوانین، جبران خسارت، خسارت هسته‌ای، دادگاه محل تأسیسات هسته‌ای، دادگاه صالح، کنوانسیون وین، کنوانسیون پاریس.

۱. مقدمه

انرژی عامل حیاتی پیشرفت صنعت است. امروزه انرژی هسته‌ای به خاطر نقش ویژه آن در تولید و تأمین انرژی و کاربرد صنعتی، کشاورزی، پزشکی، علمی و خدماتی، از اهمیت خاصی برخوردار شده است (یوسف‌پور و رحیمی، ۱۳۸۱: ۳۷). این انرژی در کنار فایده‌های فراوان، آثار سوء در محیط نیز بر جای می‌گذارد که از مهم‌ترین آن، خسارت‌های هسته‌ای است.

به دلیل خطرهای نامتعارف این پدیده، قاعده‌مند کردن آن مورد توجه واقع شده و حقوق مستقلی بدان اختصاص یافته است. سازمان همکاری اقتصادی اروپا،^۱ در سطح منطقه‌ای و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۲ در سطح بین‌المللی، عهده‌دار ایجاد مقررات و معاهدات گوناگون برای تنظیم فعالیت در صنایع هسته‌ای در میان کشورهای عضو سازمان ملل متحد بوده است. «کنوانسیون پاریس راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه انرژی اتمی»^۳، نخستین کنوانسیون بین‌المللی در این خصوص است که از سوی کشورهای اروپای غربی منعقد شده است. این کنوانسیون از طریق پروتکلی در سال ۲۰۰۴^۴ اصلاح شد. کنوانسیون وین در خصوص مسئولیت مدنی برای خسارت اتمی^۵ که از سوی آژانس انرژی اتمی منعقد شد، دیگر کنوانسیون در این خصوص است که از طریق پروتکلی در سال ۱۹۹۷ اصلاح شد.^۶ در همین سال کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای^۷ با پیشنهاد ایالات متحده آمریکا و با تلاش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تدوین شد. حل تعارض در مسئله دادگاه صالح و قانون حاکم و اجرای احکام در این خصوص، از مهم‌ترین مسائلی است که در این کنوانسیون‌ها به آنها پرداخته شده است. با توجه به اینکه کشور ما عضو کنوانسیون‌های مذکور یا کنوانسیون مشابهی نیست، این موضوع، مورد توجه حقوق‌دانان ما، آن طور که بایسته است، قرار نگرفته است. هدف ما این است که با بررسی این کنوانسیون‌ها، برخورد دیگر کشورها با این پدیده و نوع قانون‌گذاری در حل تعارض و رسیدگی به دعاوی ناشی از این خسارات را بیان کنیم. وسعت خسارات ناشی از این فعالیت‌ها، موجب شده است تا قوانین خاصی برای آنها تصویب شود. همسویی با دیگر کشورهای پیشرفته، با توجه به گسترش استفاده از انرژی هسته‌ای در کشورمان و کشورهای همسایه، ضروری به نظر می‌رسد. در ادامه به تفصیل، به بررسی قواعد حل تعارض دادگاه صالح و قانون حاکم، همچنین طریقه شناسایی و اجرای

1. Organization for European Economic Co-operation (OECE).
2. International Atomic Energy Agency (IAEA).
3. Paris Convention on Nuclear Third Party Liability 1960.
4. Protocol to amend the Paris Convention on Nuclear Third Party Liability 2004.
5. Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage 1963.
6. Protocol to Amend the Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage 1997.
7. Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage 1997.

حکم خارجی در کنوانسیون‌های مربوط به خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای می‌پردازیم.

۲. دادگاه صالح به رسیدگی به دعاوی خسارت‌های هسته‌ای

خسارات هسته‌ای می‌تواند فراسوی مرزهای یک کشور را دربر گیرد، همچنین ممکن است هنگام حمل مواد هسته‌ای خارج از قلمروی کشور متصدی مسئول خسارت وارد شود، در نتیجه حل مشکل آلودگی فرامرزی، باید از طریق همکاری بین‌المللی صورت گیرد (Perritano, 2: 1987). در چنین مواردی برای اقامه دعوی، اولین سؤال این است که از میان دادگاه‌هایی که ممکن است صلاحیت رسیدگی داشته باشند، کدام دادگاه صالح است.

پیش‌بینی دادگاه صالح در کنوانسیون‌های نام‌برده‌شده در مقدمه از دو جنبه دیگر حائز اهمیت است؛ مسئولیت متصدی تأسیسات هسته‌ای محدود و او تا سقف پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌ها موظف به جبران خسارت است، رعایت این محدودیت و تجاوز نکردن از آن در صورتی ممکن است که دادگاه صالح واحدی براساس مقررات کنوانسیون به دعاوی رسیدگی کند (Schwartz, 2006: 5). از سوی دیگر تقسیم و توزیع عادلانه همین غرامت محدود نیز زمانی ممکن می‌شود که یک دادگاه، برای رسیدگی به کلیه دعاوی تعیین شود (OECD, 1998: 54).

۲.۱. دادگاه محل وقوع حادثه

کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، که در مقدمه از آنها نام برده شد و موضوع بررسی این نوشتار است، اصل یا قاعده کلی برای رفع تعارض صلاحیت دادگاه‌های کشورهای عضو را مقرر کرده‌اند. طبق این کنوانسیون‌ها، دادگاه‌های کشوری که در قلمروش حادثه هسته‌ای اتفاق افتاده است، دادگاه صالح رسیدگی به دعاوی علیه متصدی مسئول‌اند (Sands, 2003: 907). پروتکل‌های اصلاحی کنوانسیون‌های وین و پاریس، منطقه انحصاری اقتصادی کشورهای عضو را نیز تحت پوشش قرار داده‌اند؛ در این پروتکل‌ها تأکید شده است که دعاوی مرتبط با حادثه هسته‌ای که در منطقه انحصاری اقتصادی یک کشور عضو اتفاق می‌افتد، در صلاحیت قضایی همان کشور است^۱ (Ibid: 741). در تعریف و تحدید منطقه انحصاری اقتصادی این‌گونه بیان شده است که حتی اگر منطقه اقتصادی ثبت نشده باشد، اما کشور ساحلی، حافظ منطقه مذکور و این امر را قبل از وقوع حادثه به امین کنوانسیون اعلام کرده باشد، همچنان صلاحیت قضایی برای رسیدگی به دعاوی ناشی از حادثه در آن منطقه که از محدوده منطقه اقتصادی انحصاری متجاوز نباشد متعلق به آن کشور است (Chari, 2009: 268).

۱. ماده ۷.۳ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین و ماده (b) (a) 7.3.1. پروتکل اصلاحی ۱۹۹۷ وین.

اصطلاح «قلمرو» در کنوانسیون وین، شامل مناطق دریایی همانند دریای سرزمینی و آب‌های داخلی تحت حاکمیت سرزمینی کشور ساحلی می‌شود. بنابراین، اگر حادثه بر فراز یا در دریای سرزمینی کشور متعاقد اتفاق افتد، دادگاه‌های آن کشور ساحلی صلاحیت رسیدگی دارند (Yoshifumi, 2015: 309). در خصوص مناطق دریایی که تحت حاکمیت سرزمینی کشور ساحلی نیست، اما تحت «حقوق حاکمیتی بسیار محدود»^۱ است، اصطلاح قلمرو بر آن‌ها اطلاق نمی‌شود و حادثه در مناطق مذکور یا بر فراز آن‌ها تحت صلاحیت قضایی دادگاه کشور ساحلی نیست (Planck, 1998: 66). البته ورود خسارت به یک کشور یا منطقه انحصاری اقتصادی، بدون اینکه حادثه در آن مکان رخ دهد، موجب ایجاد صلاحیت برای دادگاه‌های آن کشور نخواهد شد (Currie, 2008: 85).

بررسی این دعاوی در دادگاه محل وقوع حادثه موجب می‌شود که زیان‌دیده برای طرح دعوا، به دادگاه کشور متبوع خود مراجعه کند، دادگاهی که برای او مناسب‌تر و در دسترس‌تر است، همچنین موجب می‌شود منافع او بیشتر تضمین شود (Ibid: 96). البته دادگاه انگلستان در پرونده‌ای این‌گونه بیان کرد که اگر خواندگان بتوانند ثابت کنند دادگاهی غیر از دادگاه انگلستان که دادگاه محل وقوع حادثه بوده است، در رسیدگی صالح است و حقوق طرفین دعوا در دادگاهی دیگر همچون دادگاه محل تأسیسات بهتر تضمین و به رسیدگی عادلانه منتهی می‌شود، رسیدگی را متوقف می‌کند و به خواهان این فرصت را می‌دهد که ادعای خواندگان را رد کند و در صورتی که او نتواند خلاف این ادعا را ثابت کند، دادگاه رسیدگی را متوقف خواهد کرد.^۲ دیوان دادگستری^۳ در پرونده‌ای، نظریه مذکور را بر خلاف وظایف دولت انگلستان تحت کنوانسیون وین و بر خلاف اصول برقرارکننده تعادل حاکمیتی دانست.^۴

۲.۲. دادگاه کشور محل تأسیسات

اگر حادثه در قلمروی هیچ کشور متعاهدی اتفاق نیفتد، یعنی اگر حادثه در قلمروی کشور غیرعضو یا در مناطقی که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست اتفاق افتد، در این صورت صلاحیت قضایی متعلق به کشور محل تأسیسات متصدی مسئول است (Xue, 2009: 100). برای مثال، اگر مواد هسته‌ای از سوی متصدی یک تأسیسات مستقر در کشور عضو برای متصدی تأسیسات مستقر در قلمروی کشور متعاقد دیگری ارسال شود، کل مسیر حمل تحت مسئولیت یکی از دو متصدی است، اما مسیر حمل می‌تواند از قلمرو کشور غیرمتعاهد یا از مناطقی باشد

1. Very Limited governance rights.

2. Look At: the House of Lords in *Spliliada Maritime Corporation v. Cansulex Ltd.* (1987).

3. ECJ.

4. *Andrew Owusu v. Nugent B. Jackson* (2005).

که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست، در این وضعیت صلاحیت رسیدگی با کشور محل تأسیسات است (Acad & eacutemie de Droit International de la Haye, 1987: 132). اگر کشور محل تأسیسات متصدی مسئول، عضو کنوانسیون‌های وین و پاریس باشد، حادثه هسته‌ای که در منطقه اقتصادی انحصاری خویش یا سایر اعضای کنوانسیون یا کشور غیرمتعاقد اتفاق افتاده است، حادثه‌ای تلقی می‌شود که در قلمروی هیچ کشور عضو نبوده است. اگر کشور محل تأسیسات عضو پروتکل‌های اصلاحی وین و پاریس یا عضو کنوانسیون غرامت تکمیلی ۱۹۹۷ وین باشد، آنگاه واقعه حادث شده در منطقه اقتصادی انحصاری خودش و سایر کشورهای عضو، به منزله وقوع خسارت در قلمرو این کشورهاست و قاعده صلاحیت دادگاه محل حادثه اعمال می‌شود (Gioia, 1997: 28).

۲.۳. حل تعارض صلاحیت دادگاه‌ها

قواعد و مقررات مربوط به حل تعارض در کنوانسیون‌های مزبور، نتوانست راه حل مناسبی برای رفع اختلاف بین کشورها در تشخیص دادگاه صالح باشد. وقوع حادثه در مرز بین دو کشور و نامعلوم بودن محل دقیق وقوع حادثه، همچنین انتشار مواد رادیواکتیو در قلمرو کشورهای مختلف طی حمل مواد هسته‌ای (Descamps & others, 2008: 198) یا همپوشانی منطقه اقتصادی انحصاری دو کشور ساحلی روبه‌رو و تعیین تکلیف نکردن این منطقه میان کشورها و وقوع حادثه در این منطقه (INLEX, 2004: 61) از مواردی است که به دلیل ناممکن بودن تعیین محل دقیق حادثه، میان کشورها در تعیین دادگاه صالح اختلاف ایجاد می‌کند. در این موارد کنوانسیون‌های مربوطه مقرر می‌کنند که هرگاه در اثر اعمال قواعد مذکور، رسیدگی به دعوی در صلاحیت دادگاه‌های کشورهای متعددی باشد، اگر قسمتی از حادثه در قلمروی کشور عضو و قسمتی از حادثه در خارج از قلمروی کشورهای عضو اتفاق افتاده باشد، دادگاه کشور عضو کنوانسیون، صالح به رسیدگی است (Xue, 2009: 100). بدیهی است که این مقرر فقط میان اعضای متعاقد الزام‌آور خواهد بود.

در کنوانسیون‌های وین، دادگاه صالح از طریق توافق میان کشورهای عضو که دادگاه‌های آن‌ها صالح است، تعیین خواهد شد.^۱ کنوانسیون‌های وین، در موارد نبود توافق میان کشورها در اختلاف در صلاحیت به رسیدگی راه‌حلی ندارند، اما پروتکل اصلاحی وین و کنوانسیون غرامت تکمیلی^۲ برای حل اختلاف ناشی از تفسیر یا اعمال اسناد ذکر شده مقررهای وضع کرده‌اند که ابتدا از طریق مذاکره یا هر روش مسالمت‌آمیز مورد قبول اقدام کنند. چنانچه پس

۱. ماده XI.3 کنوانسیون وین ۱۹۶۳، ماده XIII4 کنوانسیون غرامت تکمیلی ۱۹۹۷ وین.

2. Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage 1997.

از ۶ ماه اختلاف رفع نشد، بنا به درخواست هر یک، اختلاف از طریق داوری یا ارجاع اختلاف به «دیوان بین‌المللی دادگستری» حل و فصل خواهد شد (H. Sand, 1992: 354). کنوانسیون پاریس، در این موارد مقرر می‌کند که صلاحیت قضایی با دادگاه کشور متعاهدی خواهد بود که «هیئت اروپایی انرژی هسته‌ای»^۱ کشور متعاهدی که بیشترین ارتباط را با موضوع مطروحه داراست صالح به رسیدگی می‌داند.^۲ هیئت مذکور از سوی «کنوانسیون ۱۹۵۷ در مورد تأسیس کنترل ایمنی در زمینه انرژی هسته‌ای» ایجاد شده است و کنوانسیون‌های پاریس حل و فصل هرگونه اختلاف میان دو کشور متعاهد مربوط به تفسیر یا اعمال کنوانسیون‌های مذکور را بدان سپرده‌اند.^۳

۳. قانون حاکم در رسیدگی به دعاوی خسارت‌های هسته‌ای

کنوانسیون‌های مزبور علاوه بر مقرراتی که در تعیین شخص مسئول جبران خسارت و ابعاد مختلف مسئولیت مدنی شخص مسئول تعیین کرده‌اند، قسمتی از تصمیمات را نیز بر عهده قانون داخلی کشورهای متعاهد گذاشته‌اند. در ادامه به بررسی قوانین حاکم در دعاوی خسارت‌های هسته‌ای خواهیم پرداخت.

۳.۱. مقررات کنوانسیون‌ها

دسته اول، مقرراتی هستند که کنوانسیون‌های مذکور، به‌صراحت درباره آن، مقرره‌ای تعیین کرده و تصمیم‌گیری درخصوص آن را به قوانین ملی کشور محل تأسیسات یا دیگر قوانین واگذار نکرده‌اند. مقرراتی مثل آنکه متصدی تأسیسات تنها فرد مسئول است (Jakub, 2011: 272)، نوع مسئولیت وی و حداقل میزان مسئولیتش (Schwartz, 2006: 39)، مرور زمان (Adisianyana, 2010: 14) و غیره از یک‌سو و اینکه حادثه هسته‌ای چیست؟^۴ حادثه هسته‌ای در چه تأسیساتی موجب مسئولیت هسته‌ای است؟ در مسیر حمل مواد هسته‌ای چه کسی مسئول است و مسئولیت وی در چه نقطه‌ای منتقل می‌شود و خسارت هسته‌ای چیست و انواع آن کدام است؟ و غیره، همگی مقرراتی است که کنوانسیون وضع کرده است و کشور تصویب‌کننده کنوانسیون باید آن‌ها را رعایت و دادگاه‌های کشور عضو آن را اجرا کند.

1. European Nuclear Energy Tribunal.

۲. ماده (ii) 13(c) کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ و ماده (f)(m) پروتکل اصلاحی کنوانسیون پاریس ۲۰۰۴.

۳. ماده ۱۷ کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ و ماده (c) I.Q. پروتکل اصلاحی کنوانسیون پاریس ۲۰۰۴.

۴. ماده (L) ۱ کنوانسیون وین (۱۹۶۳).

۳.۲. قانون کشور محل تأسیسات

۳.۲.۱. قانون ملی کشور محل تأسیسات در کنوانسیون‌های وین

در کنوانسیون وین درخصوص قانون ملی کشور محل تأسیسات با سه اصطلاح روبه‌رو می‌شویم: گاهی صحبت از مواردی است که «دولت محل تأسیسات» به اختیار و بدون نیاز به تبعیت از قانون‌نویس، تعیین می‌کند، برخی مسائل تحت «وضع قانون توسط دولت محل تأسیسات»^۱ قرار می‌گیرد و در نهایت مواردی است که «قانون دولت محل تأسیسات»^۲ درباره آن حکم وضع می‌کند. در تحلیل این اصطلاحات باید گفت آنچه «دولت محل تأسیسات» یا مقام صالح عمومی درخصوص انرژی هسته‌ای انجام می‌دهد علی‌الاصول باید بر مقررات و قوانین ملی مبتنی باشد. وقتی کنوانسیون به «وضع قانون» از سوی دولت محل تأسیسات اشاره می‌کند به وضع قانونی اشاره دارد که دولت به‌ویژه به دلیل تنظیم مواردی که کنوانسیون تحت اختیار و نظر وی قرار داده است، بدان مبادرت می‌ورزد، در حالی که اصطلاح «قانون دولت محل تأسیسات» که همانند اصطلاحات قبلی خود در کنوانسیون تعریف نشده است، معنی وسیع‌تری دارد و قانون مسئولیت مدنی عمومی یا سایر شاخه‌های حقوق دولت محل تأسیسات تا جایی که بر مسئولیت هسته‌ای قابل‌اعمال است را شامل می‌شود (INLEX, 2004: 916).

مواردی که دولت محل تأسیسات می‌تواند برای آن‌ها قانون وضع کند و قانون‌گذاری در این موارد به آنها سپرده شده است عبارت‌اند از:

اختیار در تحت پوشش بیمه قراردادادن خسارات وارده بر وسیله حمل ناشی از حادثه هنگام حمل مواد هسته‌ای^۳ و تلقی‌کردن «حمل‌کننده» مواد هسته‌ای یا شخصی که با زباله هسته‌ای سروکار دارد به‌منزله متصدی مستقل، با درخواست خودش و رضایت متصدی.^۴ همچنین، مواردی نیز تحت اقتدار قانون ملی دولت محل تأسیسات قرار دارند، کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، خسارت ناشی از پرتوهای یونیزه منتشره از سوخت هسته‌ای، محصولات یا زباله رادیواکتیو را دربر می‌گیرد، اما به قانون محل تأسیسات این اختیار را داده است که دیگر خسارات ناشی از پرتوهای یونیزه را تحت شمول قرار دهد.^۵ البته پروتکل اصلاحی کلیه پرتوهای یونیزه منتشره از داخل تأسیسات را تحت پوشش قرار داده است، بنابراین چنین اختیاری برای دولت محل

1. Legislation Enacted by installation State.

2. Law of the installation State.

۳. ماده IV.6 کنوانسیون ۱۹۶۳ وین.

۴. ماده II.2 کنوانسیون ۱۹۶۳ وین که در پروتکل ۱۹۹۷ تغییری نکرده است؛ ماده 3.2 ضمیمه کنوانسیون غرامت تکمیلی

۱۹۹۷ وین.

۵. ماده I (k)(iii) کنوانسیون ۱۹۶۳ وین.

تأسیسات وجود ندارد.^۱ دولت محل تأسیسات می‌تواند متصدی را در مواقعی که به دلیل حوادث و بلایای طبیعی خسارتی به بار می‌نشیند، از مسئولیت معاف کند.^۲ در پروتکل اصلاحی ۱۹۹۷ وین این عامل معافیت وجود ندارد و متصدی همچنان مسئول است.

۳.۲.۲. قانون قابل اعمال کشور متعاقد در کنوانسیون پاریس

کنوانسیون پاریس نیز موارد زیادی از تنظیم مقررات راجع به مسئولیت هسته‌ای را به عهده کشور متعاقد واگذار کرده و در واقع موارد مذکور را تابع قانون دولت متبوع محل تأسیسات قرار داده است. از جمله ۱. تعیین متصدی و افزایش مسئولیت وی نسبت به میزان حداقل مقرر در این کنوانسیون،^۳ همچنین کاهش محدودیت برخی تأسیسات، با در نظر گرفتن ماهیت تأسیسات هسته‌ای یا مواد هسته‌ای با توجه به عواقب احتمالی حادثه ناشی از آنها، به شرطی که از حداقل میزان مسئولیت تعیین شده در کنوانسیون کمتر نباشد؛^۴ ۲. وضع قانون به منظور معاف‌نشدن متصدی در صورت ورود خسارت ناشی از بلایای عظیم طبیعی با ماهیت استثنایی،^۵ این مقرر در پروتکل اصلاحی حذف شده و بدان معناست که بلایای طبیعی و قهری نیز مانع رفع مسئولیت متصدی نخواهد شد؛^۶ ۳. افزایش حداکثر میزان مسئول متصدی در کشور خود، به شرط بیشترنشدن از حداکثر میزان مسئولیت متصدی داخلی؛ پروتکل اصلاحی کنوانسیون پاریس نیز همین مقرر را با افزودن یک شرط اجرا کرد، با این شرط که کشور متعاقد زمانی می‌تواند اقدام مذکور را انجام دهد که میزان مسئولیت متصدی خارجی برای حمل مواد هسته‌ای از قلمرواش را برای پوشش خسارت احتمالی کافی نداند.^۷

موادی نیز در پروتکل اصلاحی در این مورد پیش‌بینی شده‌اند. برای مثال، مطابق مقررات پروتکل کنوانسیون پاریس، قوانین داخلی با وضع قانون افرادی که موظف به جبران خسارات هسته‌ای به محیط‌زیست‌اند را مشخص کرده است.^۸ همچنین، قانون‌گذار داخلی با وضع قانون، اقدامات پیشگیرانه برای خسارات هسته‌ای را تعریف و حدود آن را تعیین می‌کند. این اعمال تحت کنوانسیون وین، قابل جبران است، اما تحدید آن به وسیله وضع قانون داخلی است.^۹

۱. ماده (k) 2.2 پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین ۱۹۹۷.

۲. ماده (b) 3.3 IV کنوانسیون ۱۹۶۳ وین، ماده (b) 3.5 کنوانسیون غرامت تکمیلی ۱۹۹۷ وین.

۳. ماده (a) 7 کنوانسیون پاریس.

۴. ماده (ii) (b) 7 کنوانسیون پاریس.

۵. ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۶۳ پاریس.

۶. ماده (e) 7 کنوانسیون پاریس و (H) (e) پروتکل اصلاحی ۲۰۰۴ پاریس.

۷. ماده (ix) B پروتکل اصلاحی ۲۰۰۴ پاریس.

۸. ماده (vii) B پروتکل اصلاحی ۲۰۰۴ پاریس.

۳.۳. قانون دادگاه صالح

۳.۳.۱. قانون دادگاه صالح در کنوانسیون‌های وین

«قانون دادگاه صالح» قانونی است که براساس کنوانسیون، صلاحیت حاکم‌شدن بر دعوی را دارد.^۱ در نتیجه قانون ماهوی حاکم بر دعوی براساس و ضابطه‌ای که حقوق بین‌الملل خصوصی دادگاه صالح پذیرفته است تعیین می‌شود و می‌تواند قانون ماهوی کشوری باشد که دادگاهش صلاحیت دارد یا قانون کشور دیگری باشد.

موارد زیر اهم مسائلی است که براساس قانون دادگاه صالح تعیین می‌شود:

- کنوانسیون وین خسارات هسته‌ای جبران‌پذیر را مرگ، صدمهٔ بدنی، تلف‌شدن و خسارت بر مال معرفی می‌کند. خساراتی به جز موارد برشمرده، فقط زمانی جبران می‌شود که قانون دادگاه صالح مقرر کرده باشد.^۲ پروتکل اصلاحی وین، خود موارد دیگری از خسارات قابل جبران را اضافه می‌کند که عبارت‌اند از: خسارات اقتصادی تبعی، هزینه‌های اقدامات پیشگیرانه و اقدامات بازسازی محیط‌زیست و برخی خسارات اقتصادی صرف. چنین خساراتی جبران‌شدنی‌اند، اما اینکه تا چه میزانی این نوع از خسارات جبران می‌شوند، براساس قانون دادگاه صالح مشخص می‌شود.^۳

اگر دادگاه صالح، همان دادگاه محل تأسیسات و زیان‌دیده، تابع کشور دیگری باشد، نقد فراوانی بر مقررۀ مذکور وارد می‌شود؛ در این مورد گفته شده است که منع زیان‌دیده از طرح دعوا در کشور خودش در برخی موارد، ضرر و زیان بزرگی به او وارد می‌آورد و بی‌طرفانه به دعوی او رسیدگی نمی‌شود. این ضرر را می‌توان در پروندهٔ مرلین علیه کارخانهٔ سوخت هسته‌ای انگلستان مشاهده کرد. در این پرونده، در اثر آلودگی ناشی از پرتوهای هسته‌ای، خانهٔ او نیمی از ارزش خود را از دست داد. دادگاه با این استدلال که وجود پرتوهای منتشرشده در مجاورت منزل خواهان، موجب صدمهٔ فیزیکی به ساخت خانه نشده است و طبق قانون تأسیسات هسته‌ای ۱۹۶۵،^۴ این ضرر جبران‌نشده است، او را مستحق دریافت خسارت ندانست. همچنین، دادگاه این استدلال را مطرح کرد که طبیعت تأسیسات هسته‌ای، این است که مقداری انتشارات رادیواکتیو در محدودهٔ خود داشته باشد و این امر به‌تنهایی به ضرر و زیان منجر نمی‌شود.^۵

۱. مادهٔ I.1(e) ۱۹۶۳ وین.

۲. مادهٔ I.1(K)(II) کنوانسیون ۱۹۶۳ وین.

۳. مادهٔ (k)(vii) 2 پروتکل اصلاحی ۱۹۹۷ وین.

4. Nuclear Installations Act 1965. England.

5. Look at: Merlin v. British Nuclear Fuels, 1990.

روشن است که قربانیان حوادث هسته‌ای، نیاز دارند که به دادگاهی بی‌طرف و بدون وابستگی اقتصادی به کشور محل تأسیسات دسترسی داشته باشند و باید قانونی مستقل از قانون کشور محل تأسیسات تصویب شود. این رویه به‌وضوح با ادعای^۱ IAEA مبنی بر اینکه «عدم تبعیض و رعایت انصاف در برخورد با قربانی، یکی از اصول رژیم مسئولیت مدنی هسته‌ای است» (Ibid: 16) متعارض است. این در حالی است که کنوانسیون‌ها موظف‌اند قانون ملی بدون تبعیض را اعمال کنند و بسیاری از مقررات قوانین کشور متصدی، تبعیض‌آمیز است (Currie, 2008: 11).

- مسئولیت جبران خسارت با متصدی است که باید تحت پوشش بیمه‌ای یا سایر تضامین مالی قرار گیرد، اما برخی سیستم‌های حقوقی اجازه می‌دهند که در چنین مواردی دعوی علیه بیمه‌گر یا تضمین‌کننده مالی اقامه شود. امکان اقامه دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر یا ضامن مالی از طریق قانون دادگاه صالح تعیین می‌شود (Roland, 2006: 221).

اگر علت وقوع خسارت، بی‌احتیاطی فاحش یا اقدام عامدانه زیان‌دیده باشد، مقررات دادگاه صالح تعیین می‌کند که وی، مشمول جبران خسارت خواهد شد یا خیر؟^۲ همچنین، پروتکل اصلاحی وین، معین می‌کند که زمانی اقدامات پیشگیرانه مشمول جبران خسارت خواهد شد که این اقدامات معقولانه و عکس‌العملی نسبت به خطر قریب‌الوقوع باشد، تعیین معقولانه‌بودن آن، طبق مقررات کنوانسیون وین، بر عهده دادگاه صالح است.^۳

- کنوانسیون‌های وین حاوی مقرره‌ای بدین شرح‌اند که با رعایت مقررات این کنوانسیون، قانون دادگاه صالح بر ماهیت، شکل و اندازه جبران خسارت و توزیع عادلانه آن حاکم است (McRea, 1999: 214).

ادعاهای جبران خسارت پس از وقوع حادثه هسته‌ای می‌تواند از لحاظ ماهیت و شکلی متفاوت باشد. بنابراین، کنوانسیون این اختیار را به قانون دادگاه صالح سپرده که درخصوص ماهیت، شکل و وسعت یا اندازه غرامت پرداختی تصمیم‌گیری کند. برای مثال، دادگاه صالح این اختیار را دارد که جبران خسارت را، به‌گونه‌ای تعیین کند که واردکننده زیان، مجبور به پرداخت آن به شکل مستمر شود. در صورت مستمربودن، مدت استمرار را تعیین و شیوه و شرایط توزیع عادلانه غرامت میان خسارت‌دیدگان را با توجه به محدودبودن میزان مسئولیت متصدی مشخص کند (INLEX t, 2004: 16).

1. International Atomic Energy Agency.

۲. ماده ۲. IV کنوانسیون ۱۹۶۳ وین و ماده ۳.۶ پروتکل غرامت تکمیلی ۱۹۹۷ وین.

۳. ماده ۲.۴(n) پروتکل اصلاحی ۱۹۹۷ وین.

۳.۳.۲. قانون دادگاه صالح در کنوانسیون پاریس و پروتکل اصلاحی آن

کنوانسیون پاریس و پروتکل اصلاحی آن از دو اصطلاح «قانون ملی» و «قانون‌گذاری ملی»^۱ برای قانون دادگاه صالح استفاده کرده است و در تعریف این دو اصطلاح بیان می‌دارد: قانون ملی و قانون‌گذاری ملی، به معنی قانون یا تقنین ملی دادگاهی است که براساس این کنوانسیون، صالح به رسیدگی است و آن قانون یا قانون‌گذاری باید بر کلیه موضوعات ماهوی و شکلی که از سوی کنوانسیون پاریس تحت پوشش قرار ندارد، اعمال شود. کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس، هیچ‌گونه اشاره‌ای ندارد که آیا قانون دادگاه صالح دربرگیرنده قواعد حل تعارض آن قانون نیز است یا خیر؟ با وجود این، عقیده بر این است که قانون دادگاه صالح شامل مقررات بین‌المللی خصوصی آن نیز می‌شود (OECD, 1998: 60).

پروتکل اصلاحی ۲۰۰۴ کنوانسیون پاریس درخصوص قواعد حل تعارض از روش سنتی فاصله گرفته است و ضمن تعریف قانون ملی و قانون‌گذاری ملی به‌منزله قانون دادگاه صالح مقرر می‌کند که قواعد حل تعارض قانون دادگاه صالح درخصوص دعاوی جبران خسارت هسته‌ای اعمال نخواهد شد.^۲

کلیه موضوعات ماهوی و شکلی که کنوانسیون پاریس برای آن‌ها مقرره‌ای وضع نکرده است در صلاحیت قانون کشور دادگاه صالح است. با وجود این، کنوانسیون مذکور موارد زیر را تصریح می‌کند:

- حق اقامه دعوی مستقیم از سوی زیان‌دیدگان علیه بیمه‌گر یا تضمین‌کننده مالی تابع قانون مقر دادگاه است (Tromans, 2010: 172).

- همانند کنوانسیون وین، کنوانسیون پاریس نیز ماهیت، شکل و میزان غرامت مقرر در کنوانسیون و توزیع عادلانه آن را تحت حاکمیت قانون دادگاه صالح قرار می‌دهد (Ibid).

- پروتکل اصلاحی پاریس، خسارت اقتصادی تبعی، هزینه اقدامات پیشگیرانه، بازسازی محیط‌زیست تخریب‌شده و از دست دادن درآمد ناشی از منافع اقتصادی حاصله از استفاده یا بهره‌برداری از محیط‌زیست تخریب‌شده و از دست دادن درآمد ناشی از منافع اقتصادی حاصله از استفاده یا بهره‌برداری از محیط‌زیست را نیز جزو خسارات قابل جبران برمی‌شمارد، اما اینکه تا چه میزان از چنین خساراتی باید جبران شود تحت قانون دادگاه صالح است (Ibid: 170).

- پروتکل اصلاحی مقرره جدیدی را به کنوانسیون پاریس می‌افزاید که مطابق آن: اگر قانون ملی دادگاه صالح مقرر کرده باشد، متصدی از جبران خسارت وارده به شخصی که با

۱. ماده i(N) پروتکل اصلاحی کنوانسیون پاریس ۲۰۰۴.

۲. ماده i(N) پروتکل اصلاحی کنوانسیون پاریس ۲۰۰۴.

بی‌احتیاطی فاحش عمل کرده یا فعل یا ترک فعل به قصد ایجاد خسارت داشته، معاف است، در این صورت امکان چنین معافیتی نیز براساس قانون دادگاه صالح تعیین می‌شود.^۱

۴. شناسایی و اجرای حکم

حکم صادره علیه متصدی مسئول چنانچه در کشوری به جز کشور متبوع متصدی صادر شده باشد، مستلزم شناسایی و اجراست.

در یک تقسیم‌بندی کلی در حقوق کامن‌لو، می‌توان موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی را به سه قسمت تقسیم کرد: تعیین دادگاه صلاحیت‌دار، مشخص کردن قانون حاکم بر دعوی و در نهایت شناسایی و اجرای حکم (Ralf, 2009: 1). شناسایی و اجرای احکام خارجی براساس قواعد و مقررات داخلی کشور اجراکننده حکم انجام می‌شود، مگر اینکه معاهدات دو یا چندجانبه‌ای میان کشورها برای شناسایی و اجرای حکم وجود داشته باشد. این معاهدات گاه به طور کلی شناسایی و اجرای هر حکمی را شامل می‌شوند و گاه نیز موضوع خاصی در معاهدات تنظیم و شناسایی و اجرای احکام درخصوص موضوع نیز در آن مطرح می‌شود. کنوانسیون‌های وین در سطح جهانی و کنوانسیون پاریس در سطح منطقه‌ای از این دسته معاهدات‌اند که مسئله شناسایی و اجرای حکم خارجی درخصوص موضوع خاصی -مسئولیت مدنی هسته‌ای- را حل کرده‌اند (INLEX, 2013: 9).

۴.۱. شناسایی حکم و موانع آن

منظور از شناسایی حکم خارجی آن است که به حکم خارجی، ارزشی مشابه احکام صادره از دادگاه ملی اعطا شود (الماسی، ۱۳۶۹: ۸۰). شناسایی حکم علاوه بر اینکه مقدمه اجرای آن است، به‌منظور جلوگیری از طرح دعوای مجدد در کشور شناسایی‌کننده و تحصیل حکم متعارض دیگر نسبت به همان دعواست (جنیدی، ۱۳۷۱: ۹۰).

کنوانسیون ۱۹۶۳ وین^۲ مقرر می‌دارد: حکم نهایی صادره از دادگاهی که براساس مقررات آن کنوانسیون صلاحیت دارد، باید در قلمرو دیگر اعضای متعاهد شناسایی شود (Sand, 2003: 742). کنوانسیون پاریس اعلام می‌کند که حکم صادره از دادگاه صالح، وقتی براساس قانون دادگاه صالح صادر شد، باید در قلمرو سایر اعضای متعاهد اجرایی شود؛ البته به محض اینکه تشریفات لازمه کشور اجراکننده حکم رعایت شد.^۳

۱. ماده I.G(e) پروتکل اصلاحی کنوانسیون پاریس ۲۰۰۴.

2. Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage 1963.

۳. ماده 13(d) کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس.

اینکه آیا منظور از «رعایت تشریفات لازمه کشور اجراکننده» شامل مقررات شناسایی آن نیز می‌شود یا خیر؟ در کنوانسیون بدون پاسخ باقی مانده است. این سؤال از آنجا به ذهن متبادر می‌شود که پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین علاوه بر اینکه مقرره خاصی درخصوص شناسایی رأی دارد و موانع آن را برمی‌شمارد، درخصوص اجرای حکم پس از شناسایی آن، به صراحت سخن گفته است و مقرر می‌کند که حکم شناسایی شده، پس از رعایت تشریفات لازمه قانون کشور متعاهدی که اجرا در آن درخواست شده، قابل اجراست. در این مورد منظور از رعایت تشریفات لازمه قانون کشور اجراکننده، رعایت مقررات مربوط به اجراست؛ یعنی برای مثال مقرراتی راجع به شیوه صدور اجراییه و غیره. به هر حال به نظر می‌رسد اجرای حکم یا به زبان بهتر صدور اجراییه برای حکم خارجی با توجه به اینکه کنوانسیون پاریس خود رعایت تشریفات لازمه قانون کشور اجراکننده حکم را مقرر می‌کند، مستلزم شناسایی قبلی حکم است که اگر این تفسیر را بپذیریم، آنگاه موانع شناسایی حکم که در کنوانسیون پاریس برخلاف کنوانسیون وین از آن یاد نمی‌شود، موانعی خواهد بود که هر کشور عضو کنوانسیون براساس مقررات داخلی‌اش ملاحظه خواهد کرد و از این نظر کنوانسیون وین که موانع خاص شناسایی را برمی‌شمارد، هم صریح‌تر است و هم تاحدودی از ناهماهنگی در شناسایی حکم جلوگیری می‌کند.

کنوانسیون وین ۱۹۶۳، از واژه «حکم نهایی» استفاده می‌کند که مشخص نیست آیا منظور حکمی است که قطعی شده است و مشمول تجدیدنظر عادی نخواهد بود یا به معنی حکمی است که مراحل تجدیدنظر فوق‌العاده را طی کرده یا زمان چنین تجدیدنظری مقتضی و حکم نهایی شده است.

درخصوص معنای حکم نهایی، هنگام طرح کنوانسیون گرامت تکمیلی ۱۹۹۷ وین، اختلاف نظر وجود داشت (INLEX, 2004: note 318). بنابراین، در متن این سند به جای واژه حکم نهایی عبارت «حکمی که دیگر تابع اشکال عادی تجدیدنظر نیست» به کار گرفته شد^۱ و همین عبارت برای پروتکل اصلاحی ۱۹۹۷ وین نیز به کار رفت.^۲ عده‌ای نیز بر این نظرند که هیچ تفاوتی میان واژه حکم نهایی و عبارت «حکمی که دیگر تابع اشکال عادی تجدیدنظر نیست» وجود ندارد و تغییر اولی به دومی لغت‌پردازی بی‌پوده است و متن اصلاحی ماده کنوانسیون ۱۹۶۳ وین درخصوص شناسایی و اجرای حکم چیزی جز دوباره‌نویسی همان مقررات نیست (Lamm, 1998: 22).

۱. ماده XII.5 کنوانسیون گرامت تکمیلی ۱۹۹۷ وین.

۲. ماده 14 پروتکل اصلاحی ۱۹۹۷ وین.

کنوانسیون‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۹۷ وین تصریح می‌کنند که حکم صادره از دادگاه صلاحیت‌دار باید در قلمروی سایر اعضا شناسایی شود، به‌جز موارد خاصی که می‌توان آن‌ها را موانع شناسایی حکم نامید. موانع شناسایی حکم عبارت‌اند از اینکه: حکم از طریق تقلب تحصیل شده یا به محکوم‌علیه فرصت عادلانه دفاع داده نشده یا حکم برخلاف نظم عمومی کشوری باشد که شناسایی حکم از آن درخواست شده یا مطابق معیارهای بنیادین عدالت نباشد (Kayser, 2006: 341). البته مقررات مربوط به نظم عمومی و اصول دادرسی عادلانه، در نظامهای حقوقی مختلف، متفاوت است، بنابراین با وجود اینکه کنوانسیون‌های وین لزوم شناسایی حکم صادره سایر کشورهای عضو را مقرر می‌کنند، تفاوت تعریف و اجرای موانع شناسایی می‌تواند از دلایلی تلقی شود که سرنوشت شناسایی حکم صادره از یک کشور تا کشور دیگر را متفاوت کند.

۲.۴. اجرای حکم

در مواردی که حکم باید در کشور دیگری به‌جز کشور صادرکننده اجرا شود، کنوانسیون‌های وین مقرر می‌کنند: پس از اینکه حکم صادره شناسایی شد و مطابق تشریفات لازمه قانون کشور متعاهدی که اجرا در آن تقاضا شده است، ارائه شد، باید به همان شکلی قابل اجرا باشد که گویی حکم از دادگاه همان کشور صادر شده است^۱ (OECD Nuclear Energy Agency, 2007: 193). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد منظور از «تشریفات لازمه کشور متعاهد اجراکننده حکم» مقرراتی است که مربوط به شناسایی و اجراست؛ یعنی همان مقرراتی که اگر حکم داخلی هم بود باید رعایت می‌شد.

کنوانسیون پاریس و اصلاحی آن، مقررۀ جداگانه‌ای برای شناسایی حکم خارجی ندارند و مستقیماً اعلام می‌دارند: احکام صادره از سوی دادگاهی که براساس کنوانسیون صلاحیت دارد، بعد از دادرسی یا دادرسی غیابی وقتی که براساس قانون اعمال شده از سوی دادگاه صالح قابل اجرا شد، باید در قلمروی سایر اعضای متعاهد، به محض آنکه تشریفات لازمه کشور متعاهد رعایت شد، قابل اجرا باشد.^۲ با توجه به مطلب ذکرشده، «تشریفات لازمه» می‌تواند دربرگیرنده مقررات شناسایی و مربوط به اجرا شود. یعنی می‌توان چنین تلقی کرد که هنوز عملاً شناسایی لازم است و در غیر این صورت باید بر آن بود که کنوانسیون پاریس خودبه‌خود و بدون هیچ مانعی، حتی نظم عمومی کشور شناسایی‌کننده حکم، حکم صادره تحت مقررات کنوانسیون را شناسایی شده قلمداد می‌کند.

۱. ماده XII.2 ۱۹۶۳ وین، ماده 14.2 پروتکل اصلاحی ۱۹۹۷ وین و ماده XIII.6 کنوانسیون گرامت تکمیلی ۱۹۹۷ وین).

۲. (ماده d ۱۳ کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس که در پروتکل اصلاحی تغییر نکرده است).

در هر صورت دو کنوانسیون مرقوم مقرر می‌دارند که دعوایی که مورد حکم واقع شده است، به‌هیچ‌وجه در کشور اجراکننده، رسیدگی دیگری نمی‌شود. کنوانسیون پاریس به‌صراحت اعلام می‌دارد که مقررات مربوط به اجرای حکم، شامل دستور موقت^۱ صادره از دادگاه خارجی نمی‌شود.^۲ برعکس کنوانسیون وین هیچ تخصیصی درخصوص آرای صادره از دادگاه صالح، وارد نمی‌کند بنابراین، به نظر می‌رسد که طبق کنوانسیون‌های وین، دستور موقت همانند حکم در کشورهای متعاقد دیگر قابل اجراست (Sands & Galizzi, 1999: 4).

۵. نتیجه‌گیری

وسعت خسارتی که حوادث هسته‌ای می‌تواند از خود به جای گذارد در کنار فواید سودمند فراوانی که دارد، کشورهایی که از این انرژی بهره می‌برند را مجاب کرد که با تصویب کنوانسیون‌های منطقه‌ای و جهانی، استفاده از این انرژی را مدیریت کنند. رسیدگی به دعاوی ناشی از این خسارات و جلوگیری از تعارض در رسیدگی به آن، مستلزم قواعد واحد در شناسایی دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعاوی است. کنوانسیون‌هایی که در این زمینه تصویب شدند، با پیش‌بینی مقرراتی در این زمینه، سعی در ایجاد وحدت حقوقی در رسیدگی به این دعاوی داشتند. تعیین اصل صالح بودن دادگاه محل وقوع حادثه و صالح بودن دادگاه محل تأسیسات متصدی به‌منزله استثنای بر اصل مذکور، به‌منظور حل تعارض در تشخیص دادگاه صالح بوده است. رسیدگی به این دعاوی در دادگاه صالح، علی‌الاصول طبق مقررات کنوانسیون صورت می‌گیرد، اما مقررات پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌ها، دربرگیرنده همه ابعاد این حوادث نیست و بخشی از تصمیم‌گیری درخصوص این دعاوی را به عهده قانون یا قانون‌گذاری ملی کشور محل تأسیسات و یا کشور دادگاه صالح به رسیدگی قرار داده است. با توجه به قوانین و مقررات مختلف در کشورها، مقررات واحدی بر دعاوی خسارت‌های هسته‌ای حکم‌فرما نیست و آرا و تصمیم‌گیریها با توجه به قانون حاکم ممکن است متفاوت باشد، امری که بر خلاف هدف این کنوانسیون‌ها مبنی بر وحدت در رسیدگی به این دعاوی است.

همچنین، کنوانسیون‌های وین و پاریس، کشورهای عضو را موظف کرده‌اند آرای را که از دادگاه صالح صادر شده‌اند، همانند آرای داخلی شناسایی و اجرا کنند، امری که از طرح دعوی مجدد دعاوی در دادگاه کشورهای مختلف جلوگیری می‌کند. البته کنوانسیون‌های وین، با استثنائاتی که الزام به شناسایی آرا -همچون مخالف بودن با نظم عمومی کشور اجراکننده یا

1. interim judgment.

۲. ماده (d) ۱۳ ۱۹۶۳ پاریس و اصلاحی آن.

نبود شرایط عادلانه دفاع- وضع کرده‌اند و با توجه به تفاسیر مختلفی که در هر نظام حقوقی از این عبارات می‌شود، به وحدت کامل در شناسایی و اجرای این آرا نرسیده‌اند. با این حال، تصویب این کنوانسیونها تاحدودی به رسیدگی به این دعاوی، وحدت می‌بخشد و با ایجاد هماهنگی از طریق گسترش و پذیرش هرچه سریع‌تر قواعد مذکور به‌منظور رهایی از نتایج مختلفه حاصله از اعمال حقوق بین‌الملل خصوصی هر یک از کشورها که یکی از اهداف این کنوانسیونها بود، از طریق قوانین آن می‌توان تاحدودی نائل شد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. الماسی، نجادعلی (۱۳۶۹). «شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی»، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۵.
۲. جنیدی، لعیا (۱۳۷۱). *اجرای داوری بازرگانی خارجی*، تهران: شهر دانش.
۳. یوسفپور، بابک و رحیمی، عبدالرحیم (۱۳۸۱). «انرژی هسته‌ای، ضرورت‌ها و سیاست‌ها»، *مجله اقتصاد انرژی*، شماره ۳۹.

ب) خارجی

4. Acad & eacutemie de Droit International de la Haye (1987). "Recueil Des Cours", Collected Courses, Vol 117, Martinus Nijhoff Publishers.
5. Adisianya, Anthony (2010). "Different compensation systems under nuclear liability conventions", Return to The Centre for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy Gateway homepage: CAR (CEPMLP Annual Review): CAR Vol 14, No 3.
6. Gioia, Andrea (1999). "Maritime Zones and The New Provisions on Jurisdiction in the 1997 Vienna", Protocol and in the 1997 Convention on Supplementary Compensation, Nuclear Law Bulletin, no 63.
7. Chari, P.R. (ed.) (2009). *Indo-US Nuclear Deal: Seeking Synergy in Bilateralism*, New Delhi: Routledge.
8. OECD Nuclear Energy Agency (1998). "Expose des motifs, Revised text of the Exposé des Motifs of the Paris Convention", the OECD Council .
9. Duncan E. J. Currie (2008). "The Problems and gaps in the nuclear liability convention and an analysis of how an actual claim would be brought under the current exiting treaty regime in the event of a nuclear accident", *Denv. J. Int'l l. & Pol'y*, vol 35, No 1.
10. dussart Desart, Roland (2006). "The Reform of paris convention on third party liability in the field of nuclear Energy and of the Brussels Supplementary Convention", international nuclear law in the post-chernolbyl period, OECD.
11. Handrlica, Jakub (2011). "channeling of nuclear third party liability towards the operator jeopardized by the brussels regulations", Vol. 2, *Czech Yearbook of Public and Private International law*.
12. Hannes Descamps, Hubert Bocken & Robin Slabbinck (2008). *International Documents on Environmental Liability*, London: Dordrecht.
13. INLEX (International Expert Group on Nuclear Liability), (2013). "civil Liability for nuclear Damage, advantages and disadvantages of Joining the International Nuclear Liability Regime", New york: IAEA.
14. INLEX (2004). "the 1997 vienna convention on civil liability for Nuclear Damage and 1997 convention on supplementary compensation for Nuclear Damage", *Explanatory Texts*, IAEA Publishing.
15. Kayser, V (2006). *Launching Space Objects: Issues of Liability and Future Prospects*, Springer Science & Business Media Publishing.

- 16.Lamm, vanda (1998). "the protocol Amending the 1963 Vienna convention", Nuclear Law Bulletin, OECD, no.61.
- 17.Max Planck, Edit By: Frowein, Jochen A and Wolfrum, Rudiger (1998). *Yearbook of United Nation Law*, Second Edition: scholarly Publishing.
- 18.Merlin v. British Nuclear Fuels, PLC (1990). No 3 All ER 711, 720 – 21, [1990] 3 WLR 383.
- 19.McRea, B (1999). Reform Of Civil Nuclear Law, session 11, Publishing OCED/NEA.
- 20.OECD Nuclear Energy Agency (2007). *Liability and compensation for nuclear damage*, Michigan: Nuclear Energy Agency, Organisation for Economic Co-operation and Development Publishing.
- 21.Perritano, Judith (1987). "International Liability for Nuclear Pollution", *Suffolk Transnational Law Journal*. No 11.
- 22.Peter H. Sand (1992). *The Effectiveness of International Environmental Agreements: A Survey of Existing Legal Instruments*, london: Cambridge University Press.
- 23.Ralf, Michaels (2009). "Recognition and inforcement of foreign Judgments", Max Plank Encyclopedia, public international Law.
- 24.sands, philippe, Galizzi, paolo (1999). *the 1968 Brussels convention and liability for nuclear damage, in reform of civil nuclear liability*, OECD publishing.
- 25.sands, philippe (2003). *Principles of International Environmental Law*, London: Cambridge University Press.
- 26.Schwartz, Julia A (2006). *International Nuclear Third Liability Law: the Response to Chernobyl*, published with the International Atomic Energy Agency party, (IEAE).
- 27.Yoshifumi, Tanaka (2015). *the international Law of Sea*, second edition, London: Cambridge University Press.
- 28.Tromans, Stephen (2010). *Nuclear Law: The Law Applying to Nuclear Installations and Radioactive Substances in its Historic Context*, New York :Bloomsbury Publishing.
- 29.Xue, Hanqin (2009). *Transboundary Damage in International: Law*, London: Cambridge University.

پ) قوانین، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها

- 30.Paris Convention on Nuclear Third Party Liability 1960.
- 31.Protocol to amend the Paris Convention on Nuclear Third Party Liability 2004.
- 32.Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage 1963.
- 33.Protocol to Amend the Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage 1997.
- 34.Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage 1997.
- 35.Nuclear Installations Act 1965, England.

ج) آرای دادگاه

- 36.The House of Lords in Spiliada Maritime Corporation v. Cansulex Ltd. [1987], 1 A.C.460 Available at: http://www.gutenberg.us/articles/spiliada_maritime_corp._v._cansulex_ltd.16/12/2015
- 37.Andrew Owusu v. Nugent B. Jackson (2005). Case C-281/02 Available At: http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/LKD/?uri=CELEX:62002CJ0281_10/11/2015
- 38.Merlin v. British Nuclear Fuels, PLC, [1990] 3 All ER 711, 720 – 21,3 WLR 383.